



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۹/۱۱



دوکتور محمد عثمان تره کی

یازده سپتامبر:

مجازات افغانستان به گناه ناکرده !

ساعتی چند پس از انفجار ۱۱ سپتامبر مرکز تجارتی نوپارک وزارت دفاع امریکا فوراً بدون ارائه سند، مسئولیت را بدوش بن لادن و القاعده انداخت. «کولن پاول» وزیر خارجه حمله به مرکز تجارتی را اعلان جنگ با امریکا از جانب دشمن تعبیر کرد. جورج بوش شب هنگام، در بیانیه خطاب بمردم با قاطعیت گفت که در مقابله با تروریسم هیچ تمایزی میان تروریست و حامیان آن بعمل نخواهد آمد. «جیمزولسی» رئیس اسبق سی، آی، ای دست داشتن چند حکومت خارجی را در قضیه مطرح کرد.

بدنبال این موضعگیری ها مطبوعات غربی بلا وقفه و بدون دلیل و سند از مجازات و اقدامات انتقام جویانه علیه اهداف ملکی در شرق میانه و آسیای مرکزی ابراز حمایت کرد.

با این مقدمه چینی در سپتامبر ۲۰۰۱ «بوش» جنگ جهانی علیه تروریسم را آغاز و افغانستان را به مثابه مرکز ثقل عملیات نظامی امریکا اعلام کرد. از ابتدای جنگ تا کنون ۶۰۰۰ میلیارد دالر در ۷۶ کشور مصرف گردیده است.

امریکا ۸۰۰ پایگاه نظامی در سراسر جهان دارد. در نقشه ای که از کشورهای معروض بجنگ ضد تروریست از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۸ تنظیم شد، ۸۰ کشور میزبان پایگاه امریکا شامل بود. این مجموعه ۴۰ درصد جغرافیای کره زمین (براعظم) را دربر میگرفت.

میدان وسیع جنگ به مقیاس جهانی و مصارف گزاف ایجاب همکاری بزرگ بین المللی را میکرد. ائتلاف بین المللی ضد تروریسم شکل گرفت و مرکز قومانده خود را افغانستان انتخاب کرد. افغانستان در حالیکه هیچ قصوری نداشت قربانی یک توطئه بزرگ شد. استفاده افزاری از جنگ ضد تروریسم به قصد غمشریکی و قرابت به امریکا آغاز گردید. بیش از ۴۰ کشور به ائتلاف نظامی ضد تروریست پیوست.

به استثنای بن لادن از ۱۹ نفریکه در انفجار نوپارک متهم شدند، ۱۵ تن آن تبعه عربستان سعودی بودند. حکومت بوش به پاس خاطر عربستان سعودی که با امریکا در ائتلاف ضد صدام حسین همکاری کرده بود، از افشای هویت اتباع عربستان خود داری کرد. تا اینکه موضوع از جانب یک کمیسیون تحقیق که از سوی کانگرس تعیین شده بود، کشف گردید.

در ۲۰۰۲ کمیسیون تحقیق کانگرس طی راپوری از انفجار نوپارک، افشا کرد که عربستان سعودی به دو کوماندوی حادثه ۱۱ سپتامبر مبلغ هنگفتی داده است. در سپتامبر همین سال کانگرس با اکثریت مطلق آراء مصوبه مطالبه جبران خساره را از عربستان سعودی به بازماندگان حادثه به تصویب رسانید. مصوبه با ویتوی رئیس جمهور رد شد. دوسیه قضیه در آرشیف کانگرس در شرایطی حفظ گردید، که جورج بوش، کار به خون و آتش کشیدن افغانستان را به گناه ناکرده قبلاً آغاز کرده بود.

امریکا در کلیه کشور های درگیر با تروریسم، جنگ را با متحدین بومی به جلو برده است. به همین منظور پروگرام های تعلیم، تمرین، مشوره، همکاری و تنظیم ملیشای اجیر را رویدست گرفته است.

در افغانستان نخستین موافقتنامه همکاری میان سی، آی، ای و عبدالله (وزیر خارجه حکومت کرزی) در ۲۰۰۱ امضا شد. این موافقتنامه با امضای معاهده ستراتیژیک در زمان حکومت غنی اکمال گردید. موافقتنامه ۲۰۰۱، مبنای اولی حقوقی قبضه مالکانه امریکا بر زمین و فضای افغانستان قیاس میشود. اردو و استخبارات امریکا به بهانه عملیات ضد تروریسم حق استفاده از بمباردمان هوایی قراء و قصبات تا استفاده از شبخون در منازل مسکونی را دریافت کردند. تنظیم های جمعیت، شورای نظار، جنبش ملی و در مجموع ائتلاف جبل السراج مست از باده قدرت، در بست در تحت قومانده جنرالان امریکایی زیر پوشش جنگ ضد تروریسم با مخالفین مسلح درگیر شدند. از آنروز تا همین اکنون طی قریب ۲۰ سال امریکا و متحدین با جنگ سالاران دارای دوسیه های جنایی در ائتلاف قرار دارد. ازین باند ها به مثابه متمم بمباردمان های هوایی و زمینی بر ضد طالبان کار میگردد.

استفاده از سپیشل فورس، بلک واتر (بعداً اکادمی) و « درون » در یونت های عملیاتی امریکا موجب ادامه جنگ در ماورا قوانین جنگی شده است: محاکمه صحرایی (آخرین آن کشتن چار برادر از یک فامیل) و استفاده بی حساب از درون، ریکارد جنایات اسرائیلی ها علیه فلسطینی ها را شکسته است.

همکاری اردو و سی، آی، ای امریکا با باند های جنایتکار منحصر به افغانستان نیست: در فلپاین و نایجریا نظامیان امریکایی با باند های آمکش در همکاری نزدیک بوده است. این گروه ها ملزم به رعایت هیچگونه اصول اخلاقی و قانونی نیستند: شکنجه اسرا، محاکمه صحرایی و تجاوز جنسی از مشغولیت های روزمره این جنایت کاران است.

در جیبوتی متحد دیگر امریکا در جنگ ضد تروریسم، حکومت از قانون ضد تروریسم برای سرکوب مخالفین سیاسی سوء استفاده کرده راهی است.

به یاد باید داشت که امریکا در مواردی چند، کمک خود را به کشور های نیازمند مشروط به ساختن کمپنی های خصوصی امنیتی که موظف به استخدام اجیران جنگی استند ساخته است.

قانون اساسی امریکا حق اعلان جنگ را به کانگرس اعطا کرده است. اما باریکه موضوع دفاع ملی مطرح شود، این حق به تجویز کانگرس به رئیس جمهور انتقال میکند. آنگاه جریان عملیات جنگی زیر پوشش اسرار نظامی قرار گرفته و از کنترل نمایندگان مردم بیرون میشود.

جنگ ضد تروریسم در اوج پنهان کاری در داد و گرفت میان حلقات حکومتی دوسیه های ضخیم جنایات جنگی را بوجود آورده است که بخش بزرگ آن از چشم ناظرین حقوق بشر پنهان است. درین میان دست سی، آی، ای در کتمان زیاده روی های جنگ همیشه بالا است. پیمانه جنایات جنگی سی، آی، ای و اردوی امریکا در افغانستان به مراتب بالا تر از آن است که در مدیا درز کرده است.

زیاده روی ها در جنگ افغانستان و سوریه موجب شد که کانگرس امریکا بعد از مدت ها بی التفاتی موضوع جنگ ضد تروریسم را شامل اجندای بحث بنماید. در ۱۳ فروری سال جاری ولسی جرگه یا پارلمان مصوبه قطع حمایت امریکا از عربستان سعودی در جنگ یمن را اعلام کرد.

شیوه ایرا که امریکا در جنگ ضد تروریسم در پیش گرفته است، زمینه های دشمنی با آنکشور را در میان مردم بارور و حکومت های تحت الحمایه امریکا را در میان مردم تجرید و منفور ساخته است. حضور نظامی امریکا را که در برخی کشور

ها شکل قانونی هم دارد، زیر سوال برده و نهایتاً زمینه ظهور و رشد مقاومت مسلح مشروع و باند های جدید تروریست را مساعد گردانیده است.

امریکا در مقابله با تروریسم به جای بکارگیری دیپلوماسی و زمینه سازی رشد اقتصادی به قصد پیاده کردن موازین دیموکراسی و ارزش های حقوق بشر با ابزار ملتاریزم وارد میدان شد. عملیات نظامی امریکا هیچگاه شامل حال متحدین ستراتیژیک تروریست پرور آنکشور نبوده است. امریکا در طول ۱۹ سال ترجیح داده است که بعوض نابود سازی مراکز صدور تروریسم به مواضع ورود آن حمله کند.

بهر حال ! پافشاری بی موازنه و بی سنجش به عملیات نظامی موجب گردید که ارزش های حقوق بشر خاک و دود شود. عراده دیموکراسی از حرکت باز ماند. گروه هایی چون داعش میدان وسیع جلب و جذب در میان مردم ناراض دریافت کند و خطر ناشی از تروریسم بیشتر از سال ۲۰۰۱ انکشاف نماید.

تجربه ثابت کرده است که استفاده از خشونت در میدان های جنگ برای دفع خطر تروریسم هیچگونه مولدیت ندارد: بهترین وسیله مبارزه با تروریسم از میان بردن زمینه های ظهور و رشد آنست: فقر و بیسوادی مناسبترین بستر پرورش تروریسم است.

نتیجه :

مجازات افغانستان بگناه ناکرده بادت آویز جنگ ضد تروریسم از ۲۰۰۱ به بعد منجر بقتل بیش از نیم میلیون افغان شده است.

امریکا در ۸۰ کشور جهان پایگاه های کوچک (با حضور مثلاً ۵۰۰ سرباز) یا بزرگ (با حضور ده ها هزار سرباز) نظامی دارد. در هیچ یک کشور میزبان، امریکا در تقابل با مخالفت مسلحانه مردم آنطوریکه در افغانستان جریان دارد قرار نگرفته است. علت آن اینست که تجاوز نظامی امریکا به افغانستان بدنبال تعقیب یک دشمن موهوم و بی هویت به نام تروریست که اوصاف دقیق ندارد صورت گرفت. امریکا با اشغال افغانستان قوانین بین المللی را لگدمال کرد و منشور ملل متحد را که در محور شناخت حق حاکمیت ملی کشور های عضو تنظیم گردیده است، نادیده گرفت.

مقابله نظامی که امریکا در جنگ ضد تروریسم در پیش گرفته است، بیشتر زمینه های رشد باند های تروریستی را مساعد گردانیده است تا کم ساختن پوتانسیل خطر آنها.

راه مؤثر مبارزه با تروریسم از کانال سیاست، دیپلوماسی و کمک به رشد اقتصادی میگذرد. عملیات نظامی چوت انداز و غیر هدفمند به رشد تروریسم کمک میکند.

یادداشت :

تروریسم در حقوق بین المللی تعریف دقیق نشده است. از همین رو هرکشوری به مذاق سیاسی خود آنرا حسب دلخواه به مخالفین سیاسی اطلاق میکند. درین نوشته تروریست به داعش و گروه های مماثل اطلاق شده است. « پایان »

یازده سپتامبر: مجازات افغانستان بگناه ناکرده

Osman_taraki_۱۱septembre_mojaaazat_afghanistan.pdf